

درین باره باید عمیقاً اندیشید

وقتی آدم با پشتاره عزم سفر دارد میدانند که منزل مقصودش کجاست و میدانند که اگر به تصمیم اش قاطعیت نه بخشند، پشتاره اش را حسابی نه بندد و قدم هایش را استوار نگذارد به نیمه راه هم نخواهد رسید. در سیاست نیز طور دیگری نمیتوان عمل کرد، اگر حزبی، جمعیتی، نهضتی و یا تشکلی از نبود رهنمای با جاذبه و مدبر، منبع الهام اندیشه، نظم سازمانی و طرح برنامه کاری برای پیگیری اهداف جاری و دورنمایی خود رنج میبرد گمان نمیروند که در مسیر دستیابی به توفیق با دشواری های درد سر آفرین و فراز و نشیب های سرگیج کننده بر نخورد. درین باره باید عمیقاً اندیشید.

حال میروم به سراغ آنچه که در چند سخن کوتاه قصد گفتن اش را دارم. میدانم که بیان آشکارا و انتقادی قضایا گاه گاهی سلیقه را جریحه دار و صاحبان سلیقه را رنجور و ناراض میسازد و بجای درک هدف کتک سوءتعبیر میخورد.

با این امید که عرایض سوءتعبیر نشوند می خواهم بر خواننده گی ها و شنیده گی هایم در باره کنفرانس اروپائی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان مروری کرده و حرف های با دوستان محترم شاخه اروپائی نهضت فراگیر داشته باشم. مقدمه برای آن می چینم که گفته های محترم جلیل پرشور پیرامون کار کنفرانس را سایت وزین پندار جعلیات خوانده است در حالیکه ایشان خود حاضر مجلس بودند و بعید میدانم در محضر صد ها شرکت کننده دروغ نویسی کنند.

از خواننده گرامی پوشیده نیست که این قلم از مشتاقان اندیشه چپ و جنبش چپ دموکراتیک کشور بوده و برای همه آنانیکه صادقانه، قاطعانه و عاری از هر گونه چپ نمائی های تزویری و به نرخ روز در تکاپوی راه حصول حق انسان و انسانیت اند و درین راستا پوتانسیل فکری و یا توانمندی عملی خود را جسورانه بکار میبرند ارج و ارزش فراوان قایل است.

نا گفته پیداست که جنبش چپ دموکراتیک کشور در وضعیت کنونی اش به دلیل تشتت، پراکنده گی و چند پارچه گی نمی تواند به نیاز های عینی جامعه پاسخ شایسته دهد و خلای ناشی از عدم حضور نیرو های چپ و مترقی را در کارزار سیاسی موجود مرفوع سازد، از جانب دیگر هیچ یک از سازمان های مطرح و حاضر در صحنه اگر از پایگاه مستحکم توده ای بهره مند نباشد قادر نیست به تنهایی و بدون همسوئی و گردهم آئی در یک جبهه مشترک و واحد با دیگر نیرو های هم نظر در برابر امواج خرابگرانه جریان های عقبگرا و ارتجاعی که سراپای جامعه را ملوث ساخته اند صف آرائی کند و نقش مدافع عدالت و دادخواهی را مثل شود پس از نهضت محترم فراگیر پرسیده می شود که چکار باید کرد؟ آیا وقت آن نرسیده است که از دایماد خودمصرف بودن، برای خود نام و نشان ساختن و همه چیز را برای خود و خودی ها خواستن بیرون آمد و به مردم و جامعه اندیشید؟ آیا وقت آن نرسیده است که اولین گامهای سازنده را درین راستا گذاشت و نام را با محتوی آمیزش داد تا اسم با مسمی کمائی گردد؟ آیا وقت آن نرسیده است که بالأخره به مثابه یک سازمان چپ دموکراتیک به مفهوم واقعی کلمه تبارز یافت و با طرح برنامه کار و مبارزه بعدی در جستجوی هم پیمان برآمد؟ (حزب متحد ملی که چپ نیست و ازین کیش در همان آغاز توبه و استغفار کرد).

در نگارش قبلی ام زیر عنوان "به بهانه نشست ها" عرایضی داشتم که منجمله نقطه نظر هایم را در خصوص برخی دشواری ها در نهضت فراگیر به نشانی آن سازمان بیان نموده و آرزو بردم تا در کنفرانس نهم جون در هالند به گونه ای انعکاس یابند.

کنفرانس هالند با تأسف زیاد ولی نه دور از انتظار نتوانست دست آوردی، بویژه در دو عرصه حیاتی برای یک تشکل سیاسی یعنی بهبود کار فکری - سازمانی و آرایش ساختار تشکیلاتی آنچه کمبودش در نهضت فراگیر دیده میشود پیشکش نماید.

برخی دوستان این همایش را با شکوه نامیدند که در یک نکته با آنها موافقم، واقعاً زمانیکه افراد باهم آشنا ولی اجباراً ازهم دور پیمودن طاقت فرسای راه های طولانی سفر بین کشورهای را متحمل میگردند و به دیدار همدیگر می رسند فضای سرور آفرین و شکوهمند

ایجاد میگردد که مدت ها فراموش نمیشود اما شکوه و جلال یک کنفرانس سازمانی - سیاسی نه در فرح دیدار و تبادل خاطره ها بلکه در نتایج آن تجلی می یابد. اگر کنفرانسی بدون ثمر و خالی از نتیجه به پایان می رسد چگونه میتوان آنرا باشکوه و با اهمیت نامید. اکتفا به نشر فشرده گزارش اساسی و یکی دو بیانیه در سایت وزین مشعل، عدم راه اندازی تدابیر توضیحی و بحث و گفتمان پیرامون کار کنفرانس و سکوت تارنماهای مربوط و هواخواه درین باره، نارضایتی شمار زیادی شرکت کننده گان از جریان و ختم کار کنفرانس گواه روشن بی ثمری این همایش اند. در گزارش اساسی نیز به جز اظهارات جسته و گریخته، به تحلیل عمیق و همه جانبه سیاسی از وضع کنونی کشور آنچه که شایسته یک سازمان سیاسیست پرداخته نشده است. عوامل اساسی بحران، فاکتور های منطقی و بین المللی آن و زمینه های خروج کشور از بحران بیان واضح نیافته اند. از یاد نباید برد که نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان که شاخه اروپائی بخش عمده آنست یک سازمان رسمی و ثبت شده در وزارت عدلیه دولت پوشالی بوده در صحنه حضور علنی دارد پس چگونه میتواند از کنار این مسایل اساسی به ساده گی رد شود؟ از ابراز نظریات و صحبت های نماینده گان درین کنفرانس به استثنای گفته های محترم جلیل پرشور در فاروم فریاد نیز تا کنون خبری نیست.

رعایت موازین دموکراسی و دسیپلین از ضرورت های اساسی فعالیت سازمانی یک تشکل سیاسی دموکراتیک محسوب میگردد و اگر این موازین رعایت نمیشوند تشکل سیاسی بسوی انارشی و در نهایت ازهم پاشی میرود. به قول محترم جلیل پرشور سناریو و اجندای کنفرانس را دو نفر قبلاً آماده نموده بدون اینکه به معرض رای گیری و تأیید نماینده گان قرار دهند خود سرانه تطبیق و اجرا کردند که نقض صریح موازین دموکراسی را نشان میدهد. انتخاب ارگان های رهبری نیز به هرج و مرج انجامید و به آینده موکول گردید.

نہشته های فعالین نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی دوشیزه با استعداد و فرهیخته نیلاب سلام و محترم نجیب الله عظیمی در باره دموکراسی و نظم منتشره سایت وزین پندار اشاره غیر مستقیمی است به وضع آشفته و نابسامان نهضت فراگیر که صفوف را مشوش ساخته است. این جوانان سعی کرده اند به کهنه کاران حزب و سیاست در رهبری خویش بار دیگر الفبای کار حزبی بیاموزانند تا اگر شود رونقی در وضع پدید آید اما گمان نمیروند جد و جهد اخلاص مندانه ایشان به نتیجه ای رسد زیرا آن سه نفری که رهبری نهضت فراگیر اروپائی را در اختیار دارند و محترم پرشور از آنها نام برده است مو های سر خود را در کشمکش های حزبی سپید کرده بعد از پلینوم هژدهم کمیته مرکزی ح د خ ا تا اکنون که بیشتر از دو دهه میگذرد در حرکت های گوناگون حزب و سازمان سازی شریک بوده اند ولی در هیچ جائی و هیچ گاهی نتوانسته اند به مثابه مدیران مدبر تبارز یافته و موفقیتی عرضه کنند. سازمان اروپائی نهضت فراگیر همینکه مبتکر ایجاد آن مرحوم محمود بریالی رحلت نمودند در حقیقت فاقد سرپرست شده دچار خلای رهبری گردید و کنفرانس هالند این امر را روشن، صریح و واضح ثابت نمود. مردم میگویند خانه ای که سر نداشت شغالی میشود (با معذرت عاقلان میدانند که ضرب المثل ها اتهام و ناسزا گوئی نه بلکه رساننده پیام های سمبولیک اند). در نهشته قبلی ام با دشواری های تشکیلاتی نهضت فراگیر تماس کوتاه گرفتیم و عدم تمایل حلقه رهبری اروپائی را به نو سازی آن یاد آوری کردم که کنفرانس بر پیشبینی ام صحنه گذاشت.

ببینید دوستان!!

از وخامت اوضاع در داخل کشور و حال و احوال فلاکتبار واسفناک مردم بخوبی آگاهیم و میدانیم که مردم چشم به انتظار پیدایش تکیه گاه سیاسی خود اند، اگر سازمانهای سیاسی کشور ما که خود را چپ می نامند و ادعای ترقیخواهی و انقلابی گری دارند دایم الوقت در محور ناهمواری های درون سازمانی در چرخش باشند، نعره های شور انگیز و نطق های آتشین در همایش ها سر دهند، اگر نتیجه نداد باز همایش دعوت کنند بالأخره به کجا خواهند رسید؟ چه جوابی در برابر انتظار مردم خواهند داشت؟ نهضت فراگیر اروپائی حزبی های صادق و متعهد را به قدر کافی در صفوف خویش دارد و وقت آنست که آنها آستین بر زنند و دست به کار شوند، شجاعانه تصمیم بگیرند و جسورانه وارد عمل شوند و برای تبارز سازمان شان به مثابه یک تشکل منسجم و بادسیپلین در مسیر پیوست با جنبش چپ کشور رهبران ناکار و ضعیف و انهای را که با پیگیری اهداف دور از منافع مردم در رهبری چسپیده اند و مانع

عمل اصولی میگردند در یک اقدام جمعی و دموکراتیک از طریق انتخابات مرخص سازند.
آلمانی ها میگویند "Es muss gehandelt werden"- باید عمل کرد".
عرض آخرم اینست که دوستان تلخ و صادقانه میگویند چون در پی اصلاح امور اند، نادوستان
شیرین و خنده رویانه میگویند چون در پی اهداف دیگر اند.
درین باره باید عمیقاً اندیشید.

با احترام

www.esalat.org